الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة علی بن ابی طالب

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

| دوشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۰ | ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۹۹۵ | استان تهران و البرز ۳۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۲۰۰۰ تومان | Monday - July 26th, 2021 |

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

حدیث

پیامبر اسلام (ص)

صله‌رحم، خوش‌اخلاقی و خوش‌همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.
(نهج‌الفصاحه)

واحه

بی‌مزد بود و منت هر خدمتی که کردم
یا رب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت
حافظ

اوقات شرعی امروز

اذان ظهر: ۱۳/۱۱ — غروب آفتاب: ۲۰/۱۴
اذان مغرب: ۲۰/۳۴ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۲
اذان صبح (فردا): ۴/۳۰ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۰۸

خطبه غدیر

به خدا قسم، باطن آن را برای شما بیان نمی‌کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی‌کند مگر این شخصی که دست او را می‌گیرم و او را به سوی خود بال می‌برم و بازوی او را می‌گیرم و با دستم او را بلند می‌کنم و به شما می‌فهمانم که: «هرکس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار اوست.» و او علی‌بن‌ابیطالب برادر و جانشین من است و ولایت او از جانب خداوندِ عزوجل است که بر من نازل کرده است. ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می‌دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین‌های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

نمر، نمر باقی می‌ماند

تلنگر

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

صحبت از آزادی تفکر و اعتقادات وقتی روی منطقی به خود می‌گیرد که پای عقاید تکفیری وسط نباشد. یک مسلمان و یک مسیحی می‌توانند به خوبی و خوشی کنار هم زندگی کنند و به عقاید هم احترام بگذارند. دو نفر با دو عقیده مختلف می‌توانند باهم در یک اقلیم بگنجند تا وقتی‌که عقیده یکی از آنان، حکم بر اعدام دیگری ندهد.

بعد از جنگ جهانی، بریتانیا که برای خاورمیانه خواب‌های سیاهی دیده بود به آل سعود کمک کرد تا حسین را از تخت حجاز بیندازند و خودشان بشوند آقای حجاز. حسین را هم با اعطای پادشاهی اردن و عراق به پسرهایش قانع کرد که از کلیدداری حرمین شریفین بلند شود و جایش را به سعودی‌ها بدهد. تا وقتی حسین هاشمی، کلیددار خانه خدا بود مسلمانان از مذاهب مختلف در حرم امن جمع می‌شدند و شیعیان در امنیت کامل به زیارت مقبره‌های بقیع می‌رفتند اما با آمدن آل سعود همه‌چیز عوض شد. آل سعود تفکرات وهابی داشتند و وهابیت حکم تکفیر و اعدام دیگر مذاهب را صادر کرده بود. این تفکر مثل یک توده سرطانی در عربستان متاستاز داد و کار به‌جایی رسید که مقبره‌های بقیع هم به دست همین آل سعود تخریب شد. دیگر عربستان جای زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان نبود. تبدیل شده بود به یک معرکه نبرد.

شیخ نمرباقرالنمر سال ۲۰۰۹ در یکی از سخنرانی‌هایش که فوری به گوش همه رسید اعلام کرد دیگر این وضعیت را برای شیعیان تحمل نمی‌کند. اگر بنا بر ادامه این روند باشد، شیعیان را به جدا شدن از عربستان تشویق می‌کند و حیثیت شیعی از تمامیت ارضی عربستان مهم‌تر است. شیخ درسش را نزد علمای مختلف شیعه در ایران و سوریه پس داده بود. شاگرد آیت‌ا... محمدتقی مدرسی بود و سر نترسی داشت. از وقتی رهبری شیعیان عربستان را دست گرفته بود، یک‌تنه و بی‌سلاح زده بود به دل ظلم سعودی. یکی دو سال بعد از آن سخنرانی شیخ در سخنرانی دیگری که در بحرین انجام داد، قید کرد مقبره‌های قبرستان بقیع باید بازسازی شوند و نباید بیش از این، مورد هتک حرمت سعودی‌ها قرار بگیرند. شیخ از بحرین به عربستان برگشت درحالی‌که می‌دانست حرف‌هایش سرش را به باد خواهد داد. درحالی‌که می‌توانست راهش را سمت همان ایران یا سوریه کج کند و تا آخر عمر در سلامت و عافیت علیه سعودی‌ها حرف بزند اما بازگشتش به عربستان سفری بود شبیه سفر حسین بن علی (ع) به کوفه، درحالی‌که می‌توانست برود یمن و تا آخر عمر در عافیت و سلامت علیه یزید سخنرانی کند. شیخ النمر به محض رسیدن به عربستان، بازداشت و چند سال بعد با شمشیر در ملأعام گردن زده شد. شیخ می‌دانست سرش آخرین سلاح اوست برای مبارزه علیه ظلم سعودی‌ها و علیه محبان امیرالمؤمنین (ع) در عربستان.

پی‌نوشت: «نمر» در زبان عربی به معنای پلنگ است. شعری قدیمی در ادبیات عرب وجود دارد که می‌گوید: «نمر (پلنگ) نمر باقی می‌ماند حتی اگر کشته شود... و سگ، سگ باقی می‌ماند حتی اگر بکشد.»

درس‌هایی از خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیرخم
در گفت‌وگو با محمدحسن جواهری

وقتی علی (ع) امیرالمومنین شد

تابلوی «غدیر» استاد فرشچیان

سیدحسین امامی
روزنامه‌نگار

بی‌تردید عید غدیرخم بزرگ‌ترین عید اسلامی ـ شیعی است که در روایات مورد اهتمام بسیاری قرار گرفته و فضیلت بی‌شماری برای آن ترسیم شده است. در چنین روزی پیامبر اکرم (ص) برای بار دیگر و این بار در برابر جمع انبوهی از حج‌گزاران خانه خدا که از سراسر مناطق اسلامی گرد آمده بودند، حضرت علی (ع) را ـ که از سوی خدا برای وصایت و جانشینی بعد از او انتخاب شده بود ـ به مردم معرفی کرد و فرمود: «فَلْیَبَلِّغِ الْحاضِرُ الْغائِبَ وَالْوالِدُ الْوَلَدَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ»: پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند. بنابراین وظیفه همه ماست که بکوشیم این واقعه بزرگ و سرنوشت‌ساز را در حد توان خود به گوش همگان برسانیم. در واقعه غدیرخم که طی آن حضرت علی (ع) به جانشینی و وصایت و امارت بعد از پیامبر اکرم (ص) معرفی شد، پیامبر (ص) سخنرانی غرایی ایراد کردند که انباشته از نکات مهم و راهگشاست. این خطبه نسبتا طولانی در احتجاج و برخی منابع دیگر و فرازهایی از آن در انبوهی از منابع شیعه و سنی گزارش شده است که علامه امینی (ره) بسیاری از آنها را در کتاب بسیار ارزشمند الغدیر گرد آورده است. خطبه یادشده که به لحاظ ادبی بسیار فاخر و بلیغ است، مشتمل بر نکات مهم و ارزشمند است که در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن جواهری، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

درس نخستی که از مطالعه خطبه غدیر می‌گیریم، چیست؟

درس اولی که از مطالعه و دقت در خطبه غدیر حضرت رسول (ص) می‌گیریم به نظرم این است که پیامبر اکرم (ص) مطیع محض خداوند است. آن حضرت ابتدا با بیانی آهنگین و گاه مسجع و با تفصیلی نسبی به حمد و ثنای الهی پرداخته، در فرازی از آن عرضه می‌دارد: «أَحْمَدُهُ کثیراً وَأَشْکُرُهُ دائماً عَلَی السَّرّاءِ والضَّرّاءِ وَالشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ وَأُومِنُ بِهِ و بِمَلائکَتِهِ وکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِامْرِهِ وَأُطیعُ وَأُبادِرُ إِلی کلِّ مایرْضاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِماقَضاهُ، رَغْبَةً فی طاعَتِهِ وَ خَوْفاً مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِانَّهُ ا... الَّذی لایؤْمَنُ مَکرُهُ وَلایخافُ جَورُهُ؛ او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می‌گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نبشته‌ها و فرستاده‌هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می‌گذارم و اطاعت می‌کنم و به سوی خشنودی او می‌شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی‌عدالتیش ترسان نباشد (زیرا او راستمی نیست).»

یک از موضوعاتی که حضرت در سخنان خود به آن اشاره می‌کند، ختم نبوت است. به نظر شما اهمیت طرح این مساله در غدیرخم تا چه حد است؟ تشبیه حضرت علی (ع) به هارون برادر موسی (ع) با این نکته که بعد از حضرت رسول، دیگر پیامبری مبعوث نمی‌شود هم باز به موضوع ختم نبوت اشاره دارد، ختم نبوت را قبلا بیان فرموده بودند، در جاهای دیگر؟

حضرت پس از حمد و ثنای الهی به موضوع مورد نظر که به خاطر آن اجتماع بسیار عظیم حاجیان در غدیرخم گرد آمده بود، پرداخته، می‌فرماید: «خدا به من وحی کرد: «بِسْمِ ا... الرَّحْمانِ الرَّحِیمِ، یا أَیهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک - فی عَلِی یعْنی فِی الْخِلَافَةِ لِعَلِی بْنِ أَبی طالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یعْصِمُک مِنَ النّاسِ»: ای فرستاده ما! آنچه از سوی پروردگارت [درباره علی و خلافت او] بر تو فرود آمده، بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را انجام نداده‌ای و [در این خصوص نگران نباش؛ زیرا] خدا تو را از آسیب مردمان نگاه می‌دارد. آنگاه می‌فرماید: جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم ـ که تنها او سلام است ـ فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابیطالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت به من بسان هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود او (علی)، صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول است.

علت این‌که خداوند علی (ع) را به امامت و جانشینی پیامبر (ص) برگزیده چه بوده است؟

پیامبر (ص) یکی از مهم‌ترین صفات امام علی (ع) را عالم‌ترین امت بعد از خودش معرفی می‌کند. پس معلوم می‌شود عالم بودن اولین و نخستین ویژگی ولایت و امامت است. همان‌طور که حضرت در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی»: از من بپرسید، پیش از آن‌که مرا از دست بدهید. پیامبر (ص) می‌فرماید: حلال نیست، مگر آنچه خدا و رسول او و امامان حلال بدانند و حرام نیست مگر آنچه آنان حرام دانند. خدای عزوجل حلال و حرام را به من آموخت و من نیز آنچه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی قرار دادم. مردم! او را برتر بدانید؛ چراکه هیچ دانشی نیست مگر این‌که خداوند آن را در جان من گرد آورده و من نیز آنچه را آموختم در جان پیشوای پرهیزکاران، علی به ودیعه نهادم. او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده است: «و دانش هر چیز را در امام مبین برشمرده و ثبت کرده‌ایم. علی (ع) مدار حق و هدایت است. مردم! از علی رو برنتابید و از او نگریزید و از ولایت و سرپرستی‌اش رو برنگردانید؛ او [شما را] به درستی و راستی هدایت کرده و [خود نیز] بدان عمل می‌نماید؛ او باطل را نابود کرده و از آن بازدارد و در راه خدا نکوهش‌گران او را از کار باز ندارد. پیامبر اکرم (ص) در ادامه با بیان بخشی از فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) که در قرآن آمده است، فرمودند: «مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّ فَضائِلَ عَلی بْنِ أَبیطالِبٍ عِنْدَا... عَزَّوَجَلَّ ـ وَقَدْ أَنْزَلَها فِی الْقُرْآنِ ـ أَکثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِیها فی مَقامٍ واحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَکمْ بِها وَ عَرَفَها فَصَدِّقُوهُ»: مردم! فضایل علی بن ابیطالب نزد خداوند عزوجل ـ که در قرآن نازل فرموده ـ بیش از آن است که من یکباره برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آنها را شناخت، او را تصدیق و تأیید کنید.»

پیامبر (ص) یکی از مهم‌ترین صفات امام علی (ع) را عالم‌ترین امت بعد از خودش معرفی می‌کند. پس معلوم می‌شود عالم بودن اولین و نخستین ویژگی ولایت و امامت است

پیامبر اکرم (ص) در ادامه با مبالغه در بیان پند و اندرز و هشدار از کجروی و انحراف و دعا برای پیروی‌کنندگان از اهل بیت (ع) و نفرین مخالفان و دشمنان به همه دستور می‌دهند با علی (ع) بیعت کنند.

به نظر می‌رسد در همین واقعه غدیر حضرت به لقب امیرالمؤمنین مفتخر شدند.

«أَلَا إِنَّهُ لا «أَمیرَالْمُؤْمِنینَ» غَیرَأَخی هذا، أَلا لاتَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنینَ بَعْدی لِاحَدٍ غَیرِهِ» هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من، امارت مؤمنان برای کسی جز او جایز نیست.

طبق آیه اکمال، چرا غدیر مایه اکمال دین است که می‌فرماید: «اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکمْ دینَکمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیکمْ نِعْمَتی وَرَضیتُ لَکمُ الْإِسْلامَ دیناً» (مائده/۳)

واقعه غدیر مایه اکمال دین است. پیامبر (ص) در خطبه غدیر می‌فرمایند: «اللهمَّ إِنَّک أَنْزَلْتَ الْآیةَ فی عَلی وَلِیک عِنْدَتَبْیینِ ذالِک وَنَصْبِک إِیاهُ لِهذَا الْیوْمِ: اَلْیوْمَ أَکْمَلْتُ لَکمْ دینَکمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیکمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکمُ الْإِسْلامَ دینا»: بارالها! تو خود هنگام برپا داشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی: «امروز [با نصبِ علی بن ابیطالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم.»

وارث امامت

پیامبر اکرم (ص) با اشاره به جانشینان پس از خود، آخرین جانشین را نیز با تفصیلی تأمل برانگیز معرفی کرده، می‌فرماید: آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود. هشدار! که اوست انتقام‌گیرنده از ستمکاران. هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم‌کننده آنها. هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان. هشدار! که او خونخواه تمام اولیای الهی است. آگاه باشید! اوست یاور دین خدا. هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه‌هایی افزون گیرد. هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ارزش او و به هر نادان و بی‌ارزشی به اندازه نادانی‌اش نیکی کند. هشدار! که او نیکو و برگزیده خداوند است. هشدار! که او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست.

مدح امیر

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند
جبار در مناقب او گفته «هل اتی»
زورآزمای قلعه خیبر که بند او
در یکدیگر شکسته به بازوی «لافتی»
مردی که در مصاف زره پیش بسته بود
تا پیش دشمنان نکند پشت بر غزا
شیر خدا و صفدر میدان و بحر جود
جان‌بخش در نماز و جهان‌سوز در وغا
دیباچه مروت و دیوان معرفت
لشکرکش فتوت و سردار اتقیا
فردا که هرکسی به شفیعی زنند دست
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

سعدی

قاب غدیر

گنبد مرقد امیرالمؤمنین (ع) تنها گنبدی است که بین مرقدهای شریف اهل‌بیت و ائمه، پرچم ندارد. فلسفه پرچم داشتن به یك فرهنگ قدیمی عربی برمی‌گردد که نشانه‌ای از انتقام‌جویی خونی است که به ناحق ریخته شده. طبق همین فلسفه هم روی گنبد امیرالمؤمنین (ع) که قاتلش قصاص شد، پرچمی وجود ندارد و پرچم‌ها در گوشه و کنار دیگر حرم نصب می‌شوند. در این عکس، دو خادم حرم امیرالمؤمنین (ع) پرچمی را بر بام حرم نصب می‌کنند که روی آن نوشته: «علی پرچم هدایت است»

این پرچم بر بام نجف می‌ماند تا حق‌جویان راه هدایت را در اهتزاز آن پیدا کنند.

مکتب مولا

طبق روایت پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع) پدر امت است. یعنی پدر تك تك کسانی که محبت او را در دل دارند و از مرام و مذهب او پیروی می‌کنند. یکی از گرانبهاترین میراثی که از پدر به فرزند می‌رسد، نصیحت و وصیت است. پدرها حاصل یک عمر کوشش و دنیا دیدن‌شان را در قالب چند نصیحت کوتاه به فرزندان‌شان می‌سپارند و می‌روند. کتاب «آیین زندگی» که توسط سیدمهدی شجاعی گردآوری و ترجمه شده، وصایای امیرالمؤمنین (ع) به فرزندشان امام حسن (ع) است؛ وصایایی که ظاهرا از یك پدر به پسر بزرگ‌ترش نقل شده اما در واقع پیام‌هایی است از یك پدر به تمام فرزندانش در طول تاریخ.

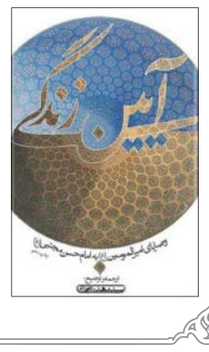

عید مظلوم غدیر در حجاز

مهدی قزلی
نویسنده

۱۰ سال پیش توفیق داشتم بروم حج تمتع. روزهایی تکرارنشدنی در زندگی‌ام. بین همان روزها هم روزهایی بود که در عمق جان و دلم ثبت شد. این روزها و ماجراها به این دلیل خاطره شد که با مظلومیت وجود نازنین مولای ما امیرالمؤمنین بی‌نسبت نبود.

یکم: بعد از عید قربان و تمام شدن اعمال حج، بازهم هرروز می‌رفتم مسجدالحرام. گاهی برای خواندن قرآن، گاهی خواندن نماز و گاهی برای نگاه‌کردن به کعبه ولی بیشتر از همه برای طواف. یک‌گوشه کعبه را پلیس بسته بود. در واقع یکی از ورودی‌های حجر اسماعیل را اما سه‌گوشه دیگر خانه کعبه حسابی شلوغ بود. از یکی از این گوشه‌ها مردم به حجر اسماعیل وارد و خارج می‌شدند. ازدحام در حجر اسماعیل هم باعث شده بود این کنج همیشه محل رفت‌وآمد زائران باشد. گوشه شلوغ دیگر، گوشه حجرالأسود بود و تکلیفش مشخص. مردم آنجا استلام می‌کردند و خدا را تکبیر می‌گفتند. گوشه آخر اما گوشه شیعیان بود. گوشه‌ای که محل ورود فاطمه بنت اسد به کعبه بود و همه می‌دانیم و می‌دانند که کلید ورود فاطمه هم پسرش علی بود. بعد از این همه سال و بعد از چند بار بازسازی کامل خانه خدا هنوز این گوشه کعبه متفاوت بود و مشتری‌های مخصوص خودش را داشت، از ترک، لبنانی، هندی و پاکستانی گرفته تا ایرانی. این گوشه نفس‌کش شیعیان بود. تنها جایی که می‌شد در طواف با صدای بلند بگویی: اشهد ان امیرالمؤمنین علی ولی ا... .

دوم: در قبرستان بقیع سردرگمِ پیدا کردن قبر ام‌البنین بودم. سادگی کردم و از یک نفر که شبیه راهنماها بود، سؤال کردم. زود فهمید ایرانی هستم. کسی را صدا زد. لباس سفید عربی به تن داشت و چفیه‌ای قرمز مثل روسری روی سرش بود. سبیل‌ها را تراشیده بود و ریش‌بلندی داشت. با لهجه افغانستانی و به فارسی پرسید چه می‌خواهم. فهمیدم قرار است به راه راست هدایتم کند! گفتم. او هم شروع کرد برایم از کفریات گفتن و این‌که بر سر قبر رفتن کار درستی نیست و اصحاب رسول خدا هیچ‌کدام نمی‌رفتند. گفتم: فاطمه، دختر رسول ا... می‌رفت سر قبر حمزه. بحثمان آدم‌ها را جمع کرد. او می‌گفت و من می‌گفتم. از طرفی می‌ترسیدم دستگیرم کنند، از طرفی می‌دانستم نباید بحث کنم و فایده‌ای ندارد، از طرفی رگ عوامی و پایین‌شهری‌ام گل کرده بود. وهابی افغانستانی هم اشتباه کرده بود و از اول، ماجرا را تبلیغی و فرهنگی برداشته بود. یک جای صحبت خواست از امیرالمؤمنین استدلال کند. گفت: خود علی رضی ا... و عنه گفته که... حرفش را قطع کردم. گفتم: لااقل به رسول ا... اقتدا کن، فرمود من کنت مولاه فهذا علی مولاه... شما هم وقتی نام ایشان را می‌خواهی ببری به فرمانبرداری از پیامبر بگو مولانا علی... وهابی سرخ شد. رفت شرطه‌ها را صدا کند. ایرانی‌هایی که جمع بودند، مرا در از دحام خودشان کشیدند. هرکس چیزی گفت به تشویق، با لبخند... من اما همان‌طور که یواشکی از بقیع بیرون می‌رفتم، گریه کردم به مظلومیت مولانا علی.

سوم: درست در روزی که حتما ایران یکسره شور و شوق و نشاط است، شهر پیامبر، حسابی سوت‌وکور بود. هیچ‌کس به روی خودش نمی‌آورد ۱۸ ذی‌الحجه روز اکمال دین و اتمام نعمت است. دوستی که در آشپزخانه دخیل مدینه مشغول بود، زنگ زد و گفت در نمازخانه آشپزخانه جشن دارند. دلم خوش شد به آنجا. رفتم به آشپزخانه. مداحی کنار محراب بلند شد. همان اول کار شعری دکلمه کرد. بیت دوم یا سوم شعر رسیده بود که در آن حال جشن، یکی یکی بغض‌مان ترکید. همه گریه کردند تا معلوم شود همه‌مان بغضی فروخورده داشتیم، بغض مظلومیت وجود نازنین مولای‌مان امیرالمؤمنین.